

میرچا الیاده

تاریخ
اندیشه‌های
دینی

از عصر حجر
تا اسرار التوسیس

۱



ترجمه
بهزاد سالکی

بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

فهرست مطالب

یادداشت مترجم	۱۵
درباره کتاب	۱۷
پیش‌گفتار	۲۵
۱. در آغاز ... رفتار جادویی - دینی انسان‌های نخستین	۳۱
۱. جهت‌یابی. ابزار برای ساخت ابزار. «اهلی کردن» آتش	۳۱
۲. «ابهام» اسناد پیش از تاریخ	۳۳
۳. معناهای نمادین گورها	۳۷
۴. بحث و گفت‌وگو درباره بقایای رسوبی استخوان‌ها	۴۰
۵. نقاشی‌های روی سنگ: انگاره یا نماد؟	۴۴
۶. حضور زن	۴۷
۷. آیین‌ها، اندیشه و تخیل در میان شکارچیان پارینه سنگی	۴۹
پی‌نوشت	۵۵
۲. طولانی‌ترین انقلاب: کشف کشاورزی - عصر میانه‌سنگی و نوسنگی	۵۹
۸. بهشت گمشده	۵۹

۸ ■ تاریخ اندیشه‌های دینی

۹. کار، دانش فنی، و جهان‌های خیالی ۶۲
۱۰. میراث شکارچیان پارینه‌سنگی ۶۴
۱۱. اهلی کردن گیاهان خوراکی: منشأ اسطوره‌ها ۶۶
۱۲. زن و رستنی‌ها. مکان مقدس و تجدید حیات ادواری ۶۹
۱۳. ادیان عصر نوسنگی در خاور نزدیک ۷۳
۱۴. بنای روحانی عصر نوسنگی ۷۶
۱۵. بافت دینی گدازگری: اسطوره عصر آهن ۸۰
- پی نوشت ۸۵
۳. ادیان بین‌النهرینی ۹۱
۱۶. «تاریخ در سومر آغاز می‌شود» ۹۱
۱۷. انسان پیش از خدایانش ۹۴
۱۸. نخستین اسطوره توفان ۹۷
۱۹. نزول به جهان زیرین: ایناتا و دموزی ۹۸
۲۰. تلفیق سومری - اکدی ۱۰۲
۲۱. آفرینش جهان ۱۰۴
۲۲. تقدس فرمانروای بین‌النهرینی ۱۰۷
۲۳. گیلگمش در جست‌وجوی جاودانگی ۱۱۰
۲۴. تقدیر و خدایان ۱۱۴
- پی نوشت ۱۱۹
۴. اندیشه‌های دینی و بحران‌های سیاسی در مصر باستان ۱۲۳
۲۵. معجزه فراموش نشدنی: «زمان آغازین» ۱۲۳
۲۶. تبارنامه خدایان و کیهان‌آفرینی‌ها ۱۲۵
۲۷. مسئولیت‌های خدای متجسد ۱۲۸
۲۸. صعود فرعون به آسمان ۱۳۱
۲۹. اوزیریس، خدای مقتول ۱۳۳
۳۰. ضعف: آشوب، ناامیدی و «دموکراتیزه شدن» زندگی پس از مرگ ۱۳۶
۳۱. الهیات و سیاست «خورشیدی کردن» ۱۳۹
۳۲. اخ - ان - آتون یا اصلاحات ناموفق ۱۴۲
۳۳. آخرین تلفیق: پیوند رع - اوزیریس ۱۴۴

۱۲ ■ تاریخ اندیشه‌های دینی

۱۰۱. زندگی زردشت: تاریخ و اسطوره ۳۶۸
۱۰۲. خلسهٔ شمنی؟ ۳۷۲
۱۰۳. وحی اهورا مزدا: انسان آزاد است خیر یا شر را انتخاب کند. ۳۷۳
۱۰۴. «تغییر سیمای» جهان ۳۷۶
۱۰۵. دین هخامنشیان. ۳۸۱
۱۰۶. پادشاه ایران و جشن سال نو. ۳۸۳
۱۰۷. مسئلهٔ مغان. سکاها. ۳۸۴
۱۰۸. جنبه‌های تازهٔ مزداپرستی: آیین هوم (هئوما). ۳۸۵
۱۰۹. ستایش ایزد میترا (مهر). ۳۸۷
۱۱۰. اهورا مزدا و قربانی آخرت‌شناختی. ۳۸۹
۱۱۱. سفر روح پس از مرگ. ۳۹۱
۱۱۲. رستاخیز بدن. ۳۹۳
- بی‌نوشت. ۳۹۷
۱۴. دین قوم اسرائیل در دورهٔ پادشاهان و انبیا ۴۰۳
۱۱۳. پادشاهی و سلطنت: اوج تلفیق‌گرایی ۴۰۳
۱۱۴. بیهوه و موجودات. ۴۰۵
۱۱۵. ایوب، آزمایش انسان عادل. ۴۰۷
۱۱۶. زمانهٔ انبیا. ۴۱۰
۱۱۷. عاموس شبان، هوشع نامحسوب. ۴۱۳
۱۱۸. اشعیا: «بازماندگان اسرائیل» باز خواهند گشت. ۴۱۵
۱۱۹. وعده‌ای که به ارمیا داده شد. ۴۱۷
۱۲۰. سقوط اورشلیم. رسالت حزقیال. ۴۱۹
۱۲۱. ارزش‌گذاری دینی «وحشت تاریخ». ۴۲۱
- بی‌نوشت. ۴۲۵
۱۵. دیونوسوس، یا سعادت باز یافته ۴۲۹
۱۲۲. تجلی‌ها و استتارهای خدای «دوبار تولد یافته». ۴۲۹
۱۲۳. قدمت برخی از جشن‌های عمومی. ۴۳۲
۱۲۴. اوریبیدس و لذت دیونوسوسی. ۴۳۵
۱۲۵. هنگامی که یونانیان حضور خدا را دوباره کشف می‌کنند. ۴۳۹

فهرست مطالب ■ ۱۳

۴۴۵	پی‌نوشت
۴۴۹	کوتاه نوشته‌ها
۴۵۱	وضعیت حاضر مطالعات: مسائل و پیشرفت
۵۷۷	واژه‌نامه
۶۲۳	نمایه

درباره کتاب

راهی که الیاده رفته است...

تأملات ماورایی انسان قدمتی به اندازه ظهورش بر روی کره خاکی دارد و همان اندازه نیز پیچیده است. راست قامتی انسان هر چند امری زیست‌شناختی به حساب می‌آید، به سبب شکل‌گیری حس در فضا بودن، نوعی حس روانی نسبت به هستی به وجود آورد که نقطه آغاز تفکرات ماورایی است. این تغییر زاویه دید نیز همان قدر که محیط بیش‌تری از زمین را در دیدرس و دسترس آدمی قرار می‌داد، سبب شد بی‌کرانگی آسمان را هم کشف کند. کشف آسمان، آغاز نمادشناسی کیهانی و نشانه‌گذاری‌های زمینی بر اساس آن است و همین فرایند، خلق اندیشه‌های دینی و ادیان را رقم زده است.

هیچ دانشمند یا الهیات‌دانی نمی‌داند دین چگونه به وجود آمده، اما محققان بسیاری بوده و هستند که تقریباً تمامی اساطیر اقوام و سرزمین‌ها را جمع‌آوری کرده‌اند بی‌این که دلایل و انگیزه‌های وجودی‌شان را آشکار و کشف کنند. به عبارتی دیگر، دانش محققان در این مورد مجموعه‌های کامل اما نسبتاً بی‌ارتباط با هم و صرفاً به صورت معرفی و توصیف کامل آن‌هاست؛ یا نهایتاً بررسی تحولات این اساطیر در یک منطقه یا قوم خاص است. این تکه‌پاره‌های اسطوره‌ای چه بوده‌اند که نمی‌توانیم امروزه از آن‌ها استفاده کنیم در حالی که ردّ

خود را بر تمامی حیات فردی و اجتماعی انسان گذاشته‌اند. شیوه‌هایی که انسان در مواجهه با بی‌کرانگی، جهانش را تعریف، زمانمند و دارای حد و مرز کرده، امروزه در نوع رابطه‌ای که با جهان و خودش دارد برجسته شده است.

اگر انسان مدرن به معنای واقعی کلمه — چه دیندار و چه بی‌دین — هیچ رابطه‌ای با گذشته خود ندارد، و همین یکی از علل اصلی بروز بحران‌های روانی و اجتماعی در حوزه تفکر غربی (و جوامع مقلد غرب) است، علت را باید در اساطیری جست که الگوهای حیات و مرگ او را ساخته‌اند. این امری موثق است که موجودیت اساطیر و کارکرد آن‌ها همبستگی عجیب و مثبتی با سلامتی روان انسان‌ها دارد.

در ایران زمین نیز گذشته پربار اساطیری دیرزمانی است که ناپدید شده است، در حالی که ادیان باستانی، هزاران سال حیات فرهنگی و دینی همه اقوام این سرزمین را محافظت می‌کردند و تنها زمان‌هایی به ورطه سقوط و تباهی کشیده شدند که دین شکل و شمایل سازمانی پیدا کرد. چنین تحولاتی در ادوار مختلف — چه روایی و چه تاریخی — در سراسر جهان دینی رخ داده و پدیدآورنده تأملات دینی بسیار متنوعی بوده است.

اثر سه جلدی تاریخ اندیشه‌های دینی الیاده را باید از معدود آثاری به حساب آورد که افقی نو بر شناخت عقاید دینی می‌گشاید. در حقیقت الیاده در این کتاب که آخرین اثر او بوده، با هوشمندی تا آن‌جا که ممکن بوده نقشه آفریدگار را از طرح دینی هستی انسان رمزگشایی کرده است: این‌که انسان در مواجهه با راز خلقت و آن واحد متعال، به واسطه تجلیات بسیار گوناگونش، تأملاتش را به نحوی روایت کرده که بتواند وجود خود را معنادار ببیند و همین معنایابی عامل به وجودآورنده اساطیر و ادیان گوناگون شده است.

به عبارتی دیگر، انسان از همان ابتدا نسبت به تجلیات مقدس به گونه‌ای دیگر واکنش نشان می‌داد. آگاهی از معناداری و واقعی بودن جهانی که در آن می‌زیست، نیازمند نوعی زیستن بود که بتواند از زیر بار سنگین روانی ارتباط با هستی بیرون آید. تنها چیزی که می‌توانست هراس ناشی از این تجلیات قدرتمند را کاهش دهد، رفتارهایی ناخودآگاه بود که بعدها آیین و شعائر نام گرفتند.

اینک آشکار است هر روایتی که از آفرینش داشته باشیم، و خودمان را از هر مقوله‌ای — تکامل انواع یا خلق از گل رس، یا هردو — بدانیم، از زمانی به بعد، تحولات زیستی و تأملات انسان رابطه مستقیمی با تحولات ابزار و نحوه زیست و معیشت او پیدا کرده است.

عصر حجر جهان بینی سنگ‌های مقدس خود را دارد. سنگ‌ها در این دوران تجلی گاه آسمان هستند. آسمان بلوری شفاف از جنس کریستال است. سنگ‌ها هم‌چنین قدرت زاینده‌گی دارند. و به‌طور کلی ابزار سنگی قدرت زیادی به صاحبش می‌دهد. تأملات دین‌ورزانه انسان ابتدایی با کشف شیوه کشت و کشاورزی انواع غلات تحولی شگرف پیدا می‌کند؛ کشت گیاهان و ویژگی فصلی بودن حیات آن‌ها، انسان را در مقابل راز شگفت‌انگیز مرگ و تجدید حیات و نیز در همبستگی مرموزی با جهان نباتی قرار می‌دهد؛ زنان که کار اصلی پرورش و اهلی کردن گیاهان و خوردنی‌ها را برعهده دارند مقامی شامخ می‌یابند؛ زن با زمین مقایسه می‌شود زیرا هر دو باروری را برعهده دارند و زمین از آن به بعد مادر کبیر شناخته می‌شود. هم‌زمان که کیش باروری در چرخه زمین تبلور می‌یابد، زن و گیاه در مناطق وسیعی دارای عبادتگاه، آیین‌های تشریف و اسرار می‌شوند که با مرگ و زندگی گیاه به‌خصوص غلات پیوند دارند. در اساطیر یونانی آمده که آن زمان که دمتر برای یافتن دخترش پرسفونه به جهان زیرین رفت، همه‌جا را خشک‌سالی فرا گرفت و انسان‌های بسیاری مردند. و این جست‌وجو برای یافتن پرسفونه کیش پرستشی را رقم زد که نومذهبان برای ورود به آن می‌بایست آیین‌های تشریفی بسیار طاقت‌فرسا را اجرا می‌کردند.

اما طی هزاران سال منتهی به ادیان توحیدی، تغییرات شگرفی در جهان معنویت رخ می‌دهد. طی دوران نوسنگی و پیشرفت‌های کشاورزی، خدایان با از دست دادن کیفیات جوئی، چهره نیمه انسان - جانور به خود می‌گیرند و قدرت‌های جادویی پیدا می‌کنند.

تحولات برای رسیدن به الهیات توحیدی تقریباً از مصر و با پادشاهی آمون‌هوتپ چهارم آغاز می‌شود. او که خود را از تسلط کاهن اعظم آمون بیرون می‌کشد، برتری و یگانگی خدای خورشید را اعلام می‌دارد: «خورشید آغاز حیات است؛ و اشعه آن همه سرزمین‌ها را فرا می‌گیرد. با این‌که بر چهره‌ها می‌تابی، نشانه‌های تو نامرئی‌اند.» آتون آفریننده نطفه در زن است؛ و اوست که به جنین حیات می‌بخشد و از تولد و رشد کودک محافظت می‌کند؛ «ای آتون، آفریده‌های تو چه گوناگون‌اند! آن‌ها از چشم انسان‌ها پنهان‌اند، ای خدای یگانه‌ای که غیر از تو هیچ خدای دیگری نیست.» این آتون است که همه سرزمین‌ها و مردان و زنان را آفرید و هر چیز خلق شده را در جای مناسب خود قرار داد و نیازهای آن‌ها را بر طرف کرد؛ «جهان با تو برقرار است؛ به هر کسی روزی‌اش را داده‌ای.»

روند یکتاپرستی در فرهنگ‌های هندواروپایی رو به توسعه است؛ مکاشفه خدای واحد

قدرت بیش‌تری به انسان مطیع او می‌دهد. آدمی دیگر در بین خدایان متعدد سرگردان و پریشان نیست؛ در ادیان ودایی هندی، ایندرا مقام خود را به وارونا، خدای واحد، می‌دهد؛ در ایران، زردشت اهورامزدا یگانه را که همه هستی‌ها از اوست می‌ستاید؛ به‌علاوه، دو عنصر بسیار مهم را به اندیشه توحیدی اضافه می‌کند: زمان خطی جای زمان ادواری را می‌گیرد؛ و دوم، پایان جهان نزدیک است و تنها نجات‌بخش در پایان دوره تاریکی از راه می‌رسد و جهان را از عدالت پر می‌سازد...

در مناطق بین‌النهرینی از ستیز بین خدایان طبیعت، ال خدای سامی به تخت می‌نشیند؛ و آینده دینی جدیدی به نام یهودیت را در نطفه خود می‌پروراند. به گفته الیاده دین اسرائیل فی الواقع دین توراتی (مجموعه متن‌ها) است، یعنی از متونی متعلق به اعصار و جهت‌گیری‌های مختلف تشکیل می‌شود که بی‌گمان نمایانگر روایاتی دینی با قدمت بسیار زیادند. اما طی چندین قرن و در محیط‌های متفاوت دوباره تفسیر، تصحیح و تحریر شده‌اند. نویسندگان جدید، تاریخ دین اسرائیل را با ابراهیم شروع می‌کنند، و این که خداوند او را برای تصاحب کنعان انتخاب کرد؛ و سپس در بازنویسی‌های جدیدتر تورات، روایات مربوط به کیهان‌آفرینی‌ها، به‌غیر از توفان نوح را حذف کرده و صرفاً به تاریخ پرداخته‌اند، یعنی تاریخ رابطه خود با خداوند؛ از این‌رو خاستگاه‌ها حتی آفرینش انسان در دین یهودی چندان اهمیتی ندارد و فقط آنچه مهم است این که فرزندان اسرائیل باید مطیع و مومن به یهوه باشند. به عبارتی، عبرانی‌ها به تاریخ مقدس یعنی به روابط خود با خداوند بیش از تاریخ خاستگاه‌ها که رویدادهای حیرت‌انگیز و اسطوره‌های آغازین را روایت می‌کنند علاقه‌مند بودند.

الیاده در سه جلد کتاب تاریخ اندیشه‌های دینی صرفاً در مقام یک مورخ ادیان، نگرش انسان دین‌ورز را روایت کرده و این که دین و تفکرات دینی چگونه شکل گرفته و چگونه با تحولات انسان‌شناختی تغییر کرده است. در جلد اول، از عصر حجر تا اسرار التوسیس همه ادیان را در دوره اساطیر روایی بررسی می‌کند که شامل کیهان‌آفرینی‌ها و آفرینش انسان و جهان جانوری و گیاهی مبتنی بر الگوهای حیات و شیوه معیشت اوست؛ در جلد دوم، از گوتمه بودا تا پیروزی مسیحیت به قواعد دینی، تحول فزاینده الهیات و فلسفه آن‌ها پرداخته و این که چگونه از بعد از پیامبران، در جریان تحولات تاریخی، اصول دینی نیز دچار تغییر و تحولات گاه بنیادی شدند. در جلد سوم، از محمد (ص) تا عصر اصلاح دینی نیز ظهور و خاستگاه دین اسلام، پیامبری محمد (ص) را تشریح کرده و علاوه بر روند تغییرات در حوزه الهیات ادیان رایج یهودیت، هندوئیسم و

میرچا الیاده

تاریخ اندیشه‌های دینی

از گوتمه بودا
تا پیروزی مسیحیت

۲



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

ترجمه
بهزاد سالکی

فهرست مطالب

۱۳	پیش‌گفتار نویسنده
۱۶	ادیان چین باستان
۱۵	۱۲۶. باورهای دینی در دوره نوسنگی
۱۵	۱۲۷. دین در عصر مفرغ: خدای آسمان و نیاکان
۱۸	۱۲۸. سلسله نمونه: چو
۲۰	۱۲۹. منشأ جهان و سازمان دادن به آن
۲۳	۱۳۰. دوقطبی‌ها، تناوب‌ها، و یکپارچگی دوباره
۲۶	۱۳۱. کنفوسیوس: قدرت آیین‌ها
۳۰	۱۳۲. لائوتزو و تائوئیسم
۳۳	۱۳۳. روش‌های طول عمر
۳۹	۱۳۴. تائوئیست‌ها و کیمیاگری
۴۲	پی‌نوشت
۴۷	۱۷. آیین برهمنی و هندوئیسم: نخستین فلسفه‌ها و روش‌های رستگاری
۵۷	۱۳۵. «همه چیز رنج است...»
۵۷	

۸ ■ تاریخ اندیشه‌های دینی

۱۳۶. روش‌های دستیابی به «بیداری» والاتر ۵۹
۱۳۷. تاریخ اندیشه‌ها و سالشمار متن‌ها ۶۱
۱۳۸. ودانتا پیش از تدوین نهایی ۶۲
۱۳۹. روح بر طبق سانکھییه-یوگا ۶۳
۱۴۰. معنای آفرینش: کمک به رهایی روح ۶۶
۱۴۱. معنای رهایی ۶۷
۱۴۲. یوگا: تمرکز بر شیء واحد ۷۰
۱۴۳. فنون و روش‌های یوگا ۷۲
۱۴۴. نقش خدا در یوگا ۷۵
۱۴۵. سَمادهی و «قدرت‌های معجزه‌آسا» ۷۶
۱۴۶. رهایی نهایی ۷۸
- پی‌نوشت ۸۱
۱۸. بودا و معاصرانش ۸۵
۱۴۷. شاهزاده سیدارتا ۸۵
۱۴۸. عزیمت بزرگ ۸۷
۱۴۹. «بیداری» موعظهٔ قانون ۸۹
۱۵۰. جدایی دواداتا. آخرین تغییر. بودا وارد پاری نیروانا می‌شود ۹۲
۱۵۱. محیط دینی: زهاد دوره گرد ۹۴
۱۵۲. مهاویرا و «منجیان عالم» ۹۶
۱۵۳. تعالیم و شعائر جین ۹۸
۱۵۴. آجیویکاها و قدرت مطلق «سرنوشت» ۱۰۰
- پی‌نوشت ۱۰۳
۱۹. پیام بودا: از وحشت بازگشت ابدی تا سعادت ذات وصف‌ناپذیر ۱۰۵
۱۵۵. انسانی که با تیر سمی از پا درآمد ۱۰۵
۱۵۶. چهار حقیقت شریف و راه میانه. چرا؟ ۱۰۷
۱۵۷. ناپایداری اشیا و آموزهٔ آناثا ۱۰۹
۱۵۸. راهی که به نیروانا منتهی می‌شود ۱۱۱
۱۵۹. روش‌های مراقبه و اشراق از طریق «حکمت» ۱۱۴
۱۶۰. تناقض امر نامشروط ۱۱۷

۱۰ ■ تاریخ اندیشه‌های دینی

۱۸۳. افلاتون، فیثاغورس، و آیین اورفئوسی ۲۱۴
۱۸۴. اسکندر کبیر و فرهنگ هلنی ۲۱۹
- پی‌نوشت ۲۲۵
۲۳. تاریخ بودیسم از مهاکاشیایا تا ناگار جونا. آیین جین پس از مهاویرا ۲۳۱
۱۸۵. بودیسم تا تفرقه نخست ۲۳۱
۱۸۶. زمانه بین اسکندر کبیر و آشوکا ۲۳۳
۱۸۷. تنش‌های عقیدتی و تلفیق‌های جدید ۲۳۵
۱۸۸. «راه بودی‌ستواها» ۲۳۸
۱۸۹. ناگار جونا و آموزه خلاً جهانی ۲۴۱
۱۹۰. آیین جین پس از مهاویرا: معرفت، کیهان‌شناسی، نجات‌شناسی ۲۴۵
- پی‌نوشت ۲۵۱
۲۴. تلفیق هندویی: مهابهاراتا و بهگودگیتا ۲۵۳
۱۹۱. پیکار هجده روزه ۲۵۳
۱۹۲. جنگ آخرالزمانی و پایان جهان ۲۵۵
۱۹۳. مکاشفه کریشنا ۲۵۸
۱۹۴. «انکار ثمره اعمال خود» ۲۶۱
۱۹۵. «جدایی» و «تمامیت یافتن» ۲۶۳
- پی‌نوشت ۲۶۷
۲۵. ابتلائات سخت یهودیت: از مکاشفه تا تجلیل تورات ۲۶۹
۱۹۶. نشانه‌های نخستین آخرت‌شناسی ۲۶۹
۱۹۷. حجی و زکریا، انبیای نویددهنده آخرت ۲۷۲
۱۹۸. در انتظار پادشاهی مسیحیایی ۲۷۴
۱۹۹. رشد شریعت گرابی ۲۷۶
۲۰۰. تجسم حکمت الهی ۲۷۸
۲۰۱. از ناامیدی تا عدل الهی جدید: قوه‌لیت و کتاب جامعه ۲۷۹
۲۰۲. نخستین مکاشفه‌ها: دانیال و اخوخ ۲۸۲
۲۰۳. تنها امید: پایان جهان ۲۸۶
۲۰۴. واکنش فریسیان: تجلیل تورات ۲۹۰

۱۲ ■ تاریخ اندیشه‌های دینی

۲۹. شرک، مسیحیت و معرفت باطنی در دوره امپراتوری ۳۹۱
۲۲۵. و اینک عدالت بازمی‌گردد ۳۹۱
۲۲۶. فجایع یک دین نامشروع ۳۹۴
۲۲۷. معرفت باطنی مسیحی ۳۹۷
۲۲۸. رویکردهای معرفت باطنی (گنوستیسیسم) ۳۹۹
۲۲۹. از شمعون جادوگر تا والتینوس ۴۰۲
۲۳۰. اساطیر، انگاره‌ها، و استعاره‌های گنوسی ۴۰۶
۲۳۱. تسلی دهنده شهید ۴۱۰
۲۳۲. معرفت باطنی مانوی ۴۱۲
۲۳۳. اسطوره بزرگ: هبوط و نجات روح الهی ۴۱۴
۲۳۴. تنویت مطلق به متابۀ سرمهیب ۴۱۷
- پی‌نوشت ۴۲۱
۳۰. افول خدایان ۴۲۷
۲۳۵. بدعت‌ها و راست‌کیشی ۴۲۷
۲۳۶. صلیب و درخت زندگی ۴۳۰
۲۳۷. به سوی «مسیحیت کیهانی» ۴۳۳
۲۳۸. شکوفایی الهیات ۴۳۶
۲۳۹. میان خورشید شکست‌ناپذیر و «با این نشانه پیروز خواهی شد» ۴۳۹
۲۴۰. اتوبوسی که در التوسیس توقف می‌کند ۴۴۲
- پی‌نوشت ۴۴۵
- کوتاه‌نوشته‌ها ۴۴۹
- وضعیت حاضر مطالعات: مسائل و پیشرفت، کتاب‌شناسی‌های انتقادی ۴۵۱
- واژه‌نامه ۶۰۷
- نمایه ۶۴۹

۱۲۶. باورهای دینی در دوره نوسنگی

چین باستان حوزه‌ای است که از نظر دینی و فرهنگی برای مورخ فرهنگ و نیز برای مورخ ادیان، از لحاظ تحقیق استثنایی است. برای مثال، کهن‌ترین اسناد و مدارک باستان‌شناختی چینی به هزاره‌های ششم و پنجم بازمی‌گردد، و حداقل در برخی موارد می‌توان تداوم فرهنگ‌های ماقبل تاریخی و حتی مشخص ساختن سهم آن‌ها را در شکل‌گیری تمدن باستانی چین را پی‌گیری کرد. زیرا درست همان‌طور که مردم چین ثمره پیوندهای قومی متعدد و گوناگونند، فرهنگ آن‌ها هم ترکیبی پیچیده و اصیل را تشکیل می‌دهد که با وجود این می‌توان سهم چند منبع را در آن کشف کرد.

یانگ شائو کهن‌ترین فرهنگ نوسنگی، و برگرفته از نام دهکده‌ای است که در ۱۹۲۱ ظروف سفالین رنگی در آن کشف شد. فرهنگ نوسنگی دوم، که وجه‌متمیزه آن سفالینه‌های سیاه است در ۱۹۳۸ نزدیک لونگ‌شان کشف شد. اما پس از ۱۹۵۰ بود که در نتیجه حفاری‌های متعددی که سی سال طول کشید طبقه‌بندی همه مراحل و خطوط کلی فرهنگ‌های نوسنگی چین ممکن گردید. به کمک تاریخ‌گذاری کربن پرتوزا این تاریخ‌گذاری به میزان چشمگیر تغییر یافت. در منطقه پان پو (در ایالات شنسی) کهن‌ترین محل متعلق به فرهنگ یانگ شائو

کشف گردید؛ تاریخ گذاری کربن پرتوزا به حدود ۴۱۱۵ یا حدود ۴۳۶۵ اشاره می‌کند. در هزاره پنجم منطقه به مدت ۶۰۰ سال اشغال شد. اما پان پو نمایانگر کهن‌ترین مرحله فرهنگ یانگ شائونیست.^[۱] بنا به گفته پینگ-تی هو، نویسنده مطالعات روشمند ماقبل تاریخ چینی، روش کشاورزی که در هزاره ششم به کار گرفته می‌شد، مانند اهلی کردن برخی حیوانات، سفالگری، و گدازگری عصر برنز یک کشف محلی بود.^[۲] اما در اواسط قرن بیستم، توسعه فرهنگ‌های نوسنگی و عصر برنز چینی از طریق اشاعه کشاورزی و فلزگری از چندین مرکز در خاور نزدیک روشن گردید. البته این جا قرار نیست از کسی جانبداری کنیم، اما مسلم به نظر می‌رسد که برخی فنون در چین اختراع شدند یا از بنیاد تغییر یافتند. به همان اندازه نیز احتمال دارد که چین مقارن دوره تاریخی، عناصر فرهنگی بی‌شمار با خاستگاه غربی را که در امتداد سیبری و استپ‌های آسیای مرکزی پراکنده بودند، دریافت کرد.

اسناد و مدارک باستان‌شناختی اطلاعات قابل قبولی درباره برخی باورهای دینی در اختیار ما می‌گذارند، اما اگر نتیجه بگیریم که آن باورها بیانگر همه باورهای دینی جمعیت‌های ماقبل تاریخی‌اند کاملاً اشتباه است. درک اساطیر و الهیات این ادیان، ساختار و ریخت‌شناسی آیین‌های شان تنها نباید بر یافته‌های باستان‌شناختی متکی باشد. از این رو، برای مثال، اسناد و مدارک دینی‌ای که در خلال کشف فرهنگ نوسنگی یانگ شائو آشکار شده‌اند تقریباً به‌طور کامل به اندیشه‌ها و باورهای مرتبط با مکان مقدس، باروری و مرگ اشاره می‌کنند. در روستاها بناهای عمومی در مرکز قرار دارند و با خانه‌های کوچکی محصور شده‌اند که نیمی از آن زیرزمین است. نه تنها جهت‌گیری روستا بلکه ساختار خانه، با گلابه مرکزی و دودکش آن نوعی جهان‌بینی را نشان می‌دهد که بسیاری از جوامع نوسنگی و سنتی در آن شریک‌اند (بند ۱۲). وسایل و مواد غذایی که در گورها گذاشته شده بیانگر اعتقاد به بقای روح است؛ کودکان نزدیک خانه‌ها، در خاکستران‌های بزرگ که دهانه‌ای در بالای آن داشت که روح می‌توانست در آن بیرون برود و باز گردد، دفن می‌شدند.^[۳] به عبارت دیگر، خاکستران تدفین همان «خانه» متوفا بود، که در کیش پرستش نیاکان در عصر مفرغ (دوره شانگ) نمود فراوان داشت.

برخی وسایل گلی، به رنگ سرخ و تزیین شده با نقش معروف به مرگ به‌ویژه جالب‌اند.^[۴] سه نقش‌مایه شمایل نگارانه - مثلث، صفحه شطرنجی و صدفی شکل - تنها در وسایل مربوط به تدفین یافت می‌شوند. اما این نقش‌مایه‌ها در ارتباط با نمادگرایی تقریباً پیچیده‌ای‌اند که

اندیشه‌های اتحاد جنسی، تولد، تجدید حیات و تولد دوباره را به هم پیوند می‌دهند. می‌توان تصور کرد که این تزینات به امید بقای روح و تولد دوباره در جهان دیگر اشاره می‌کند.

طرحی که دو ماهی و دو انسان ریخت را نشان می‌دهد احتمالاً نمایانگر موجودی ماورای طبیعی یا «متخصص در امور مقدس»، یعنی ساحر یا روحانی است.^[۵] اما تفسیر آن هنوز محل تردید است. ماهی‌ها بی‌گمان نماد چیزهایی‌اند که در آن واحد هم جنسی است و هم با گاهشماری ارتباط دارد (فصل ماهیگیری با دوره‌ای خاص از چرخه سالانه انطباق دارد). توزیع و پراکندگی این چهار شکل ممکن است انگاره‌ای کیهان‌شناختی باشد.

بر طبق نوشته پینگ-تی هو جوامع دوره یانگ شائو از قوانین مادری تبار اطاعت می‌کنند. برعکس، دوره بعدی، یعنی دوره لونگ شان به گذار به جامعه پدرتباری اشاره دارد، که ویژگی آن برتری کیش پرستش نیاکان است. هو به پیروی از محققان دیگر، برخی اشیای سنگی و بازآفرینی‌های آن‌ها بر روی گلدان‌های رنگی را نمادهای آلت تناسلی مردان تفسیر می‌کند. هو نیز هم چون کارل گرن، که شمایل‌نگار تزو (tsu)، برای نامگذاری نیا، را از شکل نگارش قضیب گرفته بود، در کثرت نشانه‌های آلت تناسلی مردان اهمیتی را مشاهده می‌کرد که پرستش نیاکان به آن دست یافته بود.^[۶] همان‌طور که دیدیم «نقش مایه مرگ»، بی‌تردید در بردارنده نماد گرای جنسی است. اما کارل هنتز، طرح‌ها و اشیای گوناگون «قضیب» را بیانگر «خانه روح» می‌داند؛ برخی سفالینه‌های دوره یانگ شائو نمایانگر نمونه‌های کلبه‌های کوچک - که خاکستر مردان تدفین‌اند- قابل مقایسه با اسناد و مدارک ماقبل تاریخ اروپایی و کلبه مغولی هستند. این «خانه‌های کوچک روح» که در ماقبل تاریخ چین به وفور یافت می‌شود، پیشگامان «الواح نیاکان» دوره‌های تاریخی هستند.^[۷]

به اختصار این‌که، فرهنگ‌های یانگ شائو و لونگ شان باورهایی را آشکار می‌سازند که ویژگی بارز تمدن‌های نوسنگی دیگرند: اتحاد و همبستگی در میان حیات، باروری، مرگ و حیات اخروی و از آن‌جا، چرخه کیهانی، که تقویم آن را توضیح می‌دهد و شعائر به آن واقعیت می‌بخشند؛ اهمیت نیاکان، که منبع قدرت جادویی-دینی است؛ و «راز» پیوستگی اضداد (که هم چنین تحت تأثیر «الگوی مرگ» است)، باوری که از جهتی مفهوم وحدت/ کلیت حیات کیهانی را پیش‌بینی می‌کند که در دوره‌های بعدی عقیده غالب خواهد بود. باید اضافه کنیم که بخش اعظم میراث نوسنگی، با تغییراتی گریزناپذیر، در احادیث و شعائر دینی روستاهای چینی تا دوران‌های اخیر محفوظ ماند.

۱۲۷. دین در عصر مفرغ: خدای آسمان و نیاکان

اطلاعاتی که درباره تاریخ چین طی دوره سلطنت شانگ (حدود ۱۷۵۱ تا ۱۰۲۸ ق.م) داریم قطعاً بیش از دیگر ادوار است. دوره شانگ به طور کلی با مرحله نزدیک به دوره تاریخی و آغاز تاریخ باستان چین انطباق دارد. ویژگی این دوره ذوب مفرغ، ظهور مراکز شهری و پایتخت‌ها، وجود اشرافیت‌های نظامی و نهاد سلطنت و نقطه‌های آغاز کتابت است. درباره حیات دینی این دوره، اسناد و مدارک نسبتاً کامل است. بیش از همه، ما شمایل‌نگارهای ارزشمندی داریم که به بهترین صورت در ابزارهای مفرغی آیینی خیره‌کننده مصداق یافته‌اند. افزون بر این، آرامگاه‌های سلطنتی اطلاعاتی درباره برخی اعمال و شعائر دینی فراهم می‌سازند. اما به‌ویژه این نوشته‌های بی‌شمار درباره امور غیبی، و حک شده بر روی استخوان‌ها یا پوست لاک‌پشت‌هاست که منابع گرانبهایی هستند.^[۸] سرانجام، برخی از آثار متأخر (برای مثال، کتاب چکامه‌ها^۱) که کارل گرن آن‌ها را «متون آزاد چو»^[۹] نامیده، بسیاری از مطالب کهن را در خود دارند. اما باید اضافه کرد که این منابع اطلاعاتی هم درباره باورها و شعائر خاندان سلطنتی به ما می‌دهند؛ ولی اسطوره و الهیات این دوره نیز مانند دوره نوسنگی نیز عمدتاً ناشناخته‌اند.

در حقیقت نمی‌توان تفسیری قطعی بر این اسناد و مدارک تصویری ارائه داد. محققان در این مورد اتفاق نظر دارند. که نوعی مشابهت با بن‌مایه‌های یافت‌شده بر روی سفالینه‌های رنگی یانگ شائو،^[۱۰] و به‌علاوه، با نمادگرایی دینی دوره‌های بعد وجود دارد. هنتز (*Bronzezeit, p. 215 ff*) پیوند نمادهای کاملاً متضاد را همان عنصر توضیح‌دهنده اندیشه‌های دینی مرتبط با تجدید زمان و احیای معنوی تفسیر می‌کند. البته نمادگرایی زنجره و نقاب تائو-تیه، نیز که حاکی از چرخه تولدها و تولدهای دوباره، روشنائی و حیات به وجود آمده از تاریکی و مرگ است به همان اندازه اهمیت دارد. اتحاد انگاره‌های متضاد (مار پر دار، مار و عقاب و غیره)، و به عبارت دیگر، دیالکتیک اضداد و جمع اضداد (*coincidentia oppositorum*)، که مضمون اصلی آثار فیلسوفان و عارفان تائویی است نیز به همان‌سان در خور ملاحظه است. ظروف و وسایل مفرغی نمایانگر خاکستردان-خانه است^[۱۱] و شکل‌شان از سفالینه‌ها یا از نمونه‌های چوبی گرفته می‌شود.^[۱۲] هنر

۱. *Book of Odes*، شی چینگ، کهن‌ترین مجموعه اشعار به جا مانده از چین باستان و نیز کهن‌ترین کتاب حاوی سخنان منظوم به چینی است. این کتاب در بردارنده ۳۰۵ شعراست که قدمت برخی از آن‌ها به هزار سال ق.م، می‌رسد. این کتاب شعر از کتاب‌های مهم آیین کنفوسیوس به شمار می‌رود. کنفوسیوس این کتاب را به شاگردانش تدریس می‌کرد و می‌گفت کسی که این کتاب را نخوانده باشد مانند کسی است که روبه دیوار ایستاده است. اشعار کتاب بیانگر نحوه زندگی در زمان حکمرانی سلسله چو است.

میرچا الیاده

تاریخ اندیشه‌های دینی

از محمد (ص)
تا عصر اصلاحات

۳



ترجمه
بهزاد سالکی

بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

فهرست مطالب

۱۳ پیش‌گفتار
۱۵ ۳۱. ادیان اوراسیایی باستان: ترک-مغول‌ها، فینو-اوگری‌ها، بالتو-اسلاوها
۱۵ ۲۴۱. شکارچیان، بادیه‌نشینان، جنگجویان
۱۷ ۲۴۲. تنگری، «خدای آسمانی»
۱۹ ۲۴۳. ساختار جهان
۲۱ ۲۴۴. فراز و نشیب‌های آفرینش
۲۴ ۲۴۵. شمن و تشریف شمنی
۲۸ ۲۴۶. اساطیر و مناسک شمنی
۳۱ ۲۴۷. معنا و اهمیت شمنیسم
۳۴ ۲۴۸. ادیان آسیای شمالی و فینو-اوگری‌ها
۳۶ ۲۴۹. دین‌بالت‌ها
۴۰ ۲۵۰. شرک اسلاوی
۴۳ ۲۵۱. آیین‌ها، اسطوره‌ها، و باورهای اسلاوهای کهن
۴۷ پی‌نوشت

۸ ■ تاریخ اندیشه‌های دینی

۳۲. کلیساهای مسیحی تا بحران شمایل شکنی (سده هفتم تا نهم) ۵۵
۲۵۲. روم نابود نمی‌شد، اگر ۵۵
۲۵۳. اوگوستین: از تاگاست تا هیپو ۵۸
۲۵۴. جانشین بزرگ اوگوستین: اوریگن ۵۹
۲۵۵. آرای بحث‌انگیز اوگوستین: آموزه‌ او در باب لطف و قضا و قدر ۶۲
۲۵۶. کیش قدیسان: کلیسای شهیدان، بقایا، و زیارتگاه ۶۶
۲۵۷. کلیسای شرقی و شکوفایی الهیات بیزانسی ۷۰
۲۵۸. تقدیس شمایل‌ها و شمایل شکنی ۷۴
- پی‌نوشت ۷۷
۳۳. محمد (ص) و ظهور اسلام ۸۱
۲۵۹. الله، خدای غیرفعال اعراب ۸۱
۲۶۰. محمد (ص) «فرستاده خدا» ۸۴
۲۶۱. سفر جذبه‌آمیز (معراج) به آسمان و کتاب مقدس ۸۷
۲۶۲. هجرت به مدینه ۸۹
۲۶۳. از تبعید تا پیروزی ۹۱
۲۶۴. پیام قرآن ۹۳
۲۶۵. حضور اسلام در مدیترانه و خاور نزدیک ۹۶
- پی‌نوشت ۱۰۱
۳۴. آیین کاتولیک غربی از شارلمانی تا یواخیم فیوره ۱۰۵
۲۶۶. مسیحیت طی قرون وسطای علیا ۱۰۵
۲۶۷. جذب و تفسیر دوباره سنت پیشا مسیحی: پادشاهی مقدس و شوالیه‌ها ۱۰۹
۲۶۸. جنگ‌های صلیبی: آخرت‌شناسی و سیاست ۱۱۱
۲۶۹. معنا و اهمیت دینی هنر رومیایی و عشق مذهب ۱۱۵
۲۷۰. باطن‌گرایی و آفرینش‌های ادبی: تروبادورها (آوازخوانان دوره‌گرد) عشق مؤمنانه و حلقه جام مقدس ۱۱۹
۲۷۱. یواخیم فیوره: الهیات جدید تاریخ ۱۲۵
- پی‌نوشت ۱۲۹
۳۵. الهیات مسلمانان و سنت‌های عرفانی ۱۳۵

۱۰ ■ تاریخ اندیشه‌های دینی

۲۹۷. قدیس توماس آکوئیناس و حکمت مدرسی ۲۱۸
۲۹۸. مایستر اکهارت: از خدا به الوهیت ۲۲۱
۲۹۹. دینداری عامه مردم و خطر پارسایی ۲۲۶
۳۰۰. فجایع و امیدها: از تازیانه‌زنان تا دینداری جدید ۲۲۸
۳۰۱. نیکولای کوزایی و دوران زوال قرون وسطا ۲۳۱
۳۰۲. بیزانس و روم. مسئله «واز پسر» ۲۳۴
۳۰۳. راهبان هسوخت. قدیس گرگوری پالاماس ۲۳۷
- پی نوشت ۲۴۱
۳۸. دین، جادو، و سنت‌های هرمسی پیش و پس از اصلاح دینی ۲۵۱
۳۰۴. بقایای سنت‌های دینی پیشا مسیحی ۲۵۱
۳۰۵. نمادها و آیین‌های رقص پالایشی ۲۵۴
۳۰۶. «شکار جادوگران» و فرازونشیب‌های دین عامه ۲۵۸
۳۰۷. مارتین لوتر و اصلاح دینی در آلمان ۲۶۴
۳۰۸. الهیات لوتر. مجادله با اراسموس ۲۶۸
۳۰۹. تسوینگلی، کالون، و اصلاحات کاتولیک ۲۷۲
۳۱۰. انسان‌گرایی، فلسفه نوافلاتونی، و آیین هرمسی در دوره رنسانس ۲۷۷
۳۱۱. ارزشگذاری‌های نوین کیمیاگری: از پاراسلسوس تا نیوتون ۲۸۰
- پی نوشت ۲۸۷
۳۹. ادیان تبتی ۲۹۷
۳۱۲. «دین انسان‌ها» ۲۹۷
۳۱۳. مفاهیم سنتی: کیهان، انسان‌ها، خدایان ۲۹۹
۳۱۴. بن: رویارویی‌ها و تلفیق ۳۰۲
۳۱۵. شکل‌گیری و پیشرفت لامائسم ۳۰۵
۳۱۶. آموزه‌ها و شعائر لامایی ۳۰۷
۳۱۷. هستی‌شناسی و فیزیولوژی عرفانی نور ۳۱۱
۳۱۸. علاقه جاری به آفرینش‌های دینی تبتی ۳۱۳
- پی نوشت ۳۱۷
- فهرست کوتاه‌نوشت‌ها ۳۲۱

فهرست مطالب ■ ۱۱

۳۲۳	وضعیت کنونی مطالعات: مسائل و پیشرفت. کتاب‌شناسی‌های انتقادی.....
۴۰۱	واژه‌نامه.....
۴۲۹	نمایه.....

ادیان اوراسیایی باستان: ترک - مغول‌ها، فینو - اوگری‌ها بالتو - اسلاوها

۲۴۱. شکار چیان، بادیه‌نشینان، جنگجویان

تهاجمات سهمگین ترک - مغول‌ها - از زمان هون‌ها در قرن چهارم تا زمان تیمور لنگ در قرن چهاردهم از الگوی اسطوره‌ای شکارچی ابتدایی در اوراسیا الهام می‌گرفت: گوشت‌خواری که در دشت‌ها در تعقیب شکار خود بود. سوارکاران هون، آوار، ترک و مغول با شتاب و سرعتی که در حرکات خود داشتند، با کشتار تمامی جماعات، و نابودی کامل نشانه‌های بیرونی فرهنگ‌های مستقر (شهرها و روستاها) مانند دسته‌گرگ‌هایی بودند که حیوانات نشخوارکننده را در دشت‌ها شکار می‌کردند یا به گله‌های چوپانان بادیه‌نشین حمله‌ور می‌شدند. بی‌تردید، اهمیت راهبردی و پیامدهای سیاسی این رفتار برای فرماندهان نظامی آنان شناخته شده بود. اما این شکارچی نمونه، و گوشت‌خوار با ظاهر اسرارآمیزش نقش قابل ملاحظه‌ای ایفا می‌کرد. تعدادی از قبایل آلتایی ادعا می‌کردند که یک گرگ ماورایی نیای آن‌هاست (بند ۱۰).

شیخ خیره‌کننده «امپراتوری دشت‌ها» و ویژگی کمابیش کم‌دوام‌شان هنوز هم مورخان را مجذوب می‌کند. در واقع، هون‌ها در ۳۷۴، اوستروگوت‌ها را در کنار رود دنیستر شکست دادند و باعث کوچ شتابزدهٔ تعدادی از قبایل ژرمنی شدند، و سپس در اثنای ترک دشت‌های مجارستان، چندین ولایت امپراتوری روم را غارت کردند. آتیلا بر بخش وسیعی از اروپای مرکزی غلبه

یافت، اما اندکی پس از مرگ او (۴۵۳)، هون‌ها که دچار اختلاف و سردرگمی شده بودند، از صحنه تاریخ محو شدند. امپراتوری بزرگ مغول نیز که چنگیزخان آن را طی بیست سال ایجاد کرد (۱۲۰۶-۱۲۲۷)، و جانشینانش (تا اروپای شرقی پس از ۱۲۴۱ تا ایران، عراق، و آناتولی پس از ۱۲۵۸؛ و تا چین در ۱۲۷۹) گسترش دادند، پس از شکست در تسخیر ژاپن (۱۲۸۱) به همان صورت زوال یافت. تیمور لنگ ترک تبار (۱۳۶۰-۱۴۰۴) که خود را جانشین چنگیزخان می‌شناخت، آخرین فاتح بزرگی بود که از الگوی گوشت‌خواران الهام می‌گرفت.

باید تأکید کرد که این «بربرهای» گوناگون که از دشت‌های آسیای مرکزی هجوم می‌آوردند درباره برخی آفرینش‌های فرهنگی و دینی اقوام متمدن آگاهی‌هایی داشتند. به علاوه، همان‌طور که خواهیم دید، نیاکان آنان، یعنی همان سوارکاران ماقبل تاریخ و چوپانان بادیه‌نشین، از کشفیات مناطق مختلف آسیای جنوبی سود برده بودند.

جمعیت‌هایی که به زبان‌های آلتایی صحبت می‌کردند قلمرو وسیعی را اشغال کردند: سیبری، ناحیه ولگا، آسیای مرکزی، شمال و شمال غربی چین، مغولستان، و ترکیه. در این مورد سه شاخه اصلی زبانی از یکدیگر تمیز داده می‌شوند: (۱) ترکی رایج (اویغور، چغتایی)؛ (۲) مغولی (کالمیک، مغول، بوریات)؛ و (۳) منچو-تونگوز.^[۱] زیست‌بوم ابتدایی این اقوام آلتایی به احتمال زیاد استپ‌ها، اطراف آلتای و کوهستان‌های چینگ-های بین تبت و چین بوده، که تا شمال، تا جنگل‌های باتلاقی (تایگا) سیبری امتداد می‌یافت. این گروه‌های گوناگون آلتایی، درست مانند جمعیت‌های فینو-اوگری در مناطق شمالی به شکار و ماهی‌گیری، در آسیای مرکزی به پرورش رمه، و در منطقه جنوبی بسیار اندک به زراعت مشغول بودند.

از دوره ماقبل تاریخ، اوراسیای شمالی تحت تأثیر فرهنگ‌ها، مهارت‌ها، و اندیشه‌های دینی‌ای بود که از سمت جنوب وارد می‌شد. پرورش گوزن شمالی در نواحی سیبری از اهلی شدن اسب الهام گرفته بود که به احتمال زیاد در استپ‌ها انجام می‌گرفت. مراکز تجارت ماقبل تاریخی (برای مثال، جزیره گوزن در کنار دریاچه اونگا) و گدازگری (پژم) نقش مهمی در گسترش فرهنگ‌های سیبریایی ایفا کرده بودند. افزون بر این، آسیای مرکزی و شمالی به تدریج اندیشه‌های دینی‌ای را که خاستگاه بین‌النهرینی، ایرانی، چینی، هندی، تبتی (لامائیسیم)، مسیحی (مذهب نسطوری) و مانوی داشتند پذیرفته بودند، که ضروری است تأثیرات اسلام، و جدیدتر، تأثیرات مسیحیت ارتدوکس روسی را به آن‌ها بیفزاییم.

با این وجود، باید اضافه کرد که این تأثیرات چندان هم در تغییر ساختارهای دینی اولیه

موفق نبودند. برخی باورها و آداب و رسوم خاص شکارچیان پارینه‌سنگی هنوز هم در اوراسیای شمالی زنده است. در مواردی، هنوز هم می‌توان این اسطوره‌ها و دریافت‌های دینی باستانی را در لباس‌های مبدل لامایی، اسلامی و مسیحی تشخیص داد.^[۲] در نتیجه، به‌رغم تلفیق‌های گوناگون، می‌توانیم برخی اندیشه‌های خاص را بازشناسیم: باور به خدایی آسمانی، و فرمانروای نوع بشر؛ نوع خاصی از کیهان‌آفرینی؛ همبستگی رازآمیز با حیوانات؛ و شمنیسم. با این حال، گیرایی فراوان ادیان آسیای مرکزی و شمالی عمدتاً در ساختار ترکیبی آفرینش‌های آن‌ها نهفته است.

۲۴۲. تنگری، «خدای آسمانی»

از همه خدایان اقوام آلتایی، مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین آن‌ها در واقع، (Tengri) Tängri در میان مغول‌ها و کالمیک‌ها، Tengeri در میان بوریات‌ها، Tängere در میان تاتارهای ولگا، و Tingir در میان بلتیرها) است. لفظ tängri به معنی «خدا» و «آسمان» به واژگان ترک‌ها و مغول‌ها تعلق دارد. این اسم از «دوره ماقبل تاریخ آسیا وجود داشته و از بخت و اقبال بی‌نظیری برخوردار بوده است. حوزه نفوذ آن در زمان، مکان، و سرتاسر تمدن‌ها گسترده است؛ بیش از دوهزار سال شناخته شده است؛ هم‌چنین: در سرتاسر آسیا از مرز چین تا جنوب روسیه، از کامچاتکا تا دریای مرمهره مورد استفاده قرار گرفته است؛ «دهقانان» آلتایی با نامگذاری خدایان شان، و آن‌ها را در ردیف خداوند متعال قرار دادن، به او خدمت می‌کرده‌اند و این‌گونه و در همه ادیان جهانی بزرگ که ترک‌ها و مغول‌ها در سراسر تاریخ‌شان به آن‌ها ایمان آورده‌اند (مسیحیت، مانویت، اسلام و غیره) محفوظ مانده است.»^[۳]

واژه تنگری (tängari) برای بیان ذات الهی به کار می‌رود. آن‌گونه که این واژه در میان هسی‌یونگ - نوها در قرن دوم ق.م، خدای بزرگ آسمانی خوانده می‌شد. متن‌ها او را خدایی «عظیم» (usä) «سفید و آسمانی» (kök)، «ازلی» (mönkä)، و دارای «قدرت» (küc) نشان می‌دهند.^[۴] در یکی از کتیبه‌های ترک‌های اورخون (سده‌های هفتم تا هشتم) نوشته شده: «هنگامی که آسمان آبی در بالا و زمین تیره در پایین آفریده شدند، بین این دو، فرزندان انسان‌ها (= نوع انسان) به وجود آمدند.»^[۵] می‌توان جدایی آسمان و زمین را یک عمل کیهان‌آفرینی تفسیر کرد. اما درباره کیهان‌آفرینی به معنای اخص و تنگری در مقام آفریننده آن تنها اشاره‌هایی مبهم وجود دارد. با این حال تاتارهای آلتایی و یاکوت‌ها به خدای خود به عنوان «آفریننده» اشاره می‌کنند. و به عقیده بوریات‌ها خدایان (تنگری) انسان را آفریدند و انسان با شادی می‌زیست تا

این که ارواح شریر، بیماری و مرگ را بر روی زمین گسترش دادند.^[۶]

به این نحو، نظم کیهانی و در نتیجه، نظام جهان و اجتماع، و تقدیر انسان به تنگ‌ری وابسته است. بنابراین، هر فرمانروایی باید خلعت خود را از آسمان دریافت کند. در کتیبه اورخون می‌خوانیم: «تنگ‌ری که پدر مرا به مقام خاقانی ارتقا داده بود... تنگ‌ری که این امپراتوری را به ما بخشید، این تنگ‌ری مرا در مقام خاقان مستقر کرده است.»^[۷] در واقع، بر طبق الگوی چینی، خاقان «فرزند آسمان» است (بند ۱۲۸). فرمانروا فرستاده یا نماینده خدای آسمان است. کیش تنگ‌ری با همه قدرت و یکپارچگی آن به وسیله فرمانروا حفظ می‌شود. «هنگامی که هرج و مرج حکمفرماست، هنگامی که قبایل پراکنده‌اند، هنگامی که دیگر هیچ امپراتوری وجود ندارد (مانند روزگار ما) تنگ‌ری که پیش از این بسیار با اهمیت بود، به تدریج به خدای غیرفعال (*deus otiosus*) تبدیل شد، جای خود را به خدایان آسمانی درجه دوم داد، یا تکه‌تکه شد (تکثیر و تولیدمثل تنگ‌ری)... هنگامی که دیگر هیچ فرمانروایی وجود ندارد، خدای آسمانی کم‌کم فراموش شده، کیش‌های عوام‌پسند تقویت شده، و به تدریج اهمیت اساسی پیدا می‌کند.»^[۸] مغول‌ها در حدود ۹۹ تنگ‌ری می‌شناختند، که اکثر آن‌ها نام خاص و وظایف روشن خود را داشتند. استحاله خدا و فرمانروای آسمانی به خدای غیرفعال (*deus otiosus*) پدیده‌ای است جهانی که در همه ادیان به آن گواهی داده می‌شود. در مورد تنگ‌ری تکثیر یا جانشینی او با خدایان دیگر، به نظر می‌رسد به دنبال فروپاشی امپراتوری رخ داده است. اما چنین فرایندی در شرایط تاریخی بی‌شمار تأیید شده است (بنگرید به *Patterns 14*).

تنگ‌ری معبدی نداشت، و بعید است که مجسمه‌ای از آن ساخته شده است. چنگیز خان در بحث مشهور خود با امام بخارا به او گفت: «سراسر عالم خانه خداست، چه فایده‌ای دارد که مکان خاصی را برای او بدانیم (برای مثال، مکه) و برای عبادت آن جا برویم؟» مانند هر جای دیگر، خدای آسمانی اقوام آلتایی نیز بر همه چیز دانا بود. مغول‌ها هنگام سوگند خوردن می‌گفتند، «باشد که خداوند آن را بداند.» فرماندهان نظامی از قلعه‌های کوه بالا می‌رفتند (انگاره‌ای از مرکز جهان) تا به نیایش خداوند بپردازند، یا پیش از عملیات نظامی‌شان، جدا از دیگران در چادرها به سر می‌بردند (گاهی به مدت سه روز، مانند چنگیز خان)، و سربازان از آسمان (خدا) یاری می‌طلبیدند. تنگ‌ری ناخرسندی خود را با نشانه‌های کیهانی آشکار می‌ساخت: ستاره‌های دنباله‌دار، قحطی‌ها، و سیل‌ها. بودند کسانی که او را صرفاً نیایش می‌کردند (برای مثال، در میان مغول‌ها و بلتورها و غیره) و ممکن بود کسی هم اسب، رمه و گوسفند برای او قربانی